

سخنرانی دین (Dean)، پرزیدنت حزب دموکرات ایالات متحده آمریکا، در آخرین کنگره دموکراتهای چپ ایتالیا

دین (Dean): دموکراتهای ایالات متحده با شما هستند.
" من پرزیدنت حزب دموکرات ایالات متحده، برای تصمیم شما در ایجاد یک حزب نوین ارزش قائلم و آن را تأیید میکنم."

هاوارد دین (Howard Dean)، رهبر دموکراتهای آمریکا، با سخنرانی طولانی خود، که با کف زدنهای مداوم بارها قطع شد، توانست کنگره ی نمایندگان دموکراتهای چپ (DS) را بخود جذب کند. و در پایان، حمایت افراد کنگره را با این حرکت پیرو فاسسینو (Piero Fassino) بخود اختصاص داد که فاسسینو دست او را بعلافت پیروزی بلند کرد. این اولین بارست که یک رهبر حزب دموکرات آمریکا در سطح دین (دین کسی است که جان کری را برای انتخابات کاخ سفید در سال ۲۰۰۴ تعیین کرد)، در کنگره دموکراتهای چپ سخن میگوید.

او از مدح ایتالیایی ها آغاز میکند، و میگوید " بخاطر تاریخ شما، فرهنگ شما، غذای شما و ورزش شما، بویژه برای آبی پوشها یتان ". "من به شما و رهبرانتان تبریک میگویم، و اضافه کرد، برآستی این یک لحظه ی تاریخی مهمی برای ایتالیا و ایتالیاییهاست".

با حزب دموکرات، "دولتی خواهید داشت مترقی و با پایداری بیشتر". و برای ما دموکراتها، تولد حزب دموکرات به مفهوم داشتن متحدی (partner) است بزرگتر در کشور ایتالیا.

دین (Dean) کار مشکلی را که از طرف دموکراتهای چپ در ایتالیا انجام شد، با فعالیتهای دموکراتهای آمریکا مقایسه کرد و چنین گفت: " ما متحد شدیم برای اینکه بتوانیم بر نیروهای ماوراء راست جمهوریخواهان پیروز شویم. متحد شدیم، سرسختانه کار کردیم و در سال ۲۰۰۶ پیروز شدیم. امروز دارای اکثریت هستیم، چه در کنگره و چه در سنا". کف زدنهای طولانی هنگامی اوج میگیرد که میگوید: "حال زمان آن رسیده که جهت را در عراق تغییر داد - دموکراتها - تاکید کرد- برنامه ای برای خروج از عراق در دست دارند، آنان در سکوت نخواهند ماند و به مبارزه خود ادامه خواهند داد تا اینکه مواضع ایالات متحده تغییر کند." و بعد بر روی سیاست محیط زیست تاکید میکند، در مورد ضرورت مقابله با گرم شدن کره زمین: موضوعی که، بویژه از طرف احزاب مترقی به میان کشیده شده است. و در پایان سخنان خویش را با امید باینکه " با هم پیروز خواهیم شد" پایان میدهد.

پایان سخنان دین (Dean)

نمایندگان گروه اقلیت در کنگره، برابر با ۲۴۲ نفر بودند، که مصوبه ای با تیترا "در چپ، برای سوسیالیسم اروپایی" را به تصویب رساندند.

خلاصه ای از سخنرانی فابیو موسسی (Fabio Mussi) رهبر گروه اقلیت، در آخرین کنگره دموکراتهای چپ ایتالی

من، بهیچوجه ارزش سیاست متحدانه را به تردید نمیگیرم. این مسئله برای حکومت کشوری که اصل است. ما همانند هسته ی اصلی ائتلاف دموکراتیک، همیشه بودیم و باید برای همیشه باقی بمانیم. اما بحث بر روی ذات و کاراکتر احزاب سیاسی است، که دارای عمری طولانی تر از یک دوره قانونگذاری می باشند. این احزابند که دولت ها و حکومت ها را ایجاد می کنند، و نه بالعکس. و احزاب میزبند حتی در شکستها، آنها تنها برای پیروزی بوجود نیامده اند. احزاب قبل از هر چیز یک موضوع هویتی می باشند و نه تنها یک سوژه ی برنامه ای.

هنگامي که کسی از شما میپرسد شما کی هستید. کافي نیست که بگوئيد "ما بسیار هستیم".

ما در تحولات گذشته شرکت کردیم" اما این تحول در تداوم گذشته نیست ". من فکر میکنم این تحول فرزند يك شکست است، شکستی که من آنرا از آن خود نیز میدانم.

من فکر میکنم که این کار - تشکیل حزب دموکراتیک - جوابی اشتباه به مسئله ای باشد، که در میان دیگر مسائل، از طرف دوست ما، ائوجنیو اسکالفاری (Eugenio Scalfari)، در چند روز پیش مطرح شد، "حزب ما نیز: به ایستگاه آخر رسید، نقش و نمایندگی خود را از دست داد، با کمیتی نامناسب برای يك جامعه ی توده ای، با کیفیت و فرهنگی فقیرانه".

ایتالیا کشوری است با امکانات فراوان، کشوری است زیبا برای زندگی، در عین حال کشوری است که در آن نابرابری ها، در يك حالت انفجاری است. کشوری است غنی، اما با دستمزدهائی در سطحی پائین تر از اروپا، و تعداد افراد شاغل در آن نیز نسبت به اروپا کمتر است، بویژه تعداد زنانی که شاغل هستند کم می باشند؛ جایی که اصل فعالیتها ی جوانان ما بر اساس کارهای موقتی است. این کمبود زاده ی تکنیک نیست، بلکه ناشی از بازگشت شرایط برده وار، در جامعه ی معاصر ماست؛ جایی که کارگزارانش در زمان کار جان خود را از دست میدهند؛ جاییکه مالکیت و ثروت هر بیشتر در دست عده ای قلیل متمرکز میشود؛ جایی که مسئله ی اخلاقی (morale) دارد تمامی عرصه های زندگی مدنی، اقتصاد و سیاست را در خود می بلعد، و سیاست نوین و نیک، مفهوم ندارد، اگر اخلاق رادر مرکز کار خود قرار ندهد.

ما کشوری را اداره میکنیم که یکی از کشورهای مهم جهانست. فکر میکردم که بایستی کارهای بسیاری انجام میدادیم، بجای اینکه خود را در يك حرکت پر مخاطره بیندازیم، احزابی را منحل کنیم و حزب جدیدی بوجود بیاوریم، درست موقعی که بعد از چند ماه باید قوه مجریه تعیین شود، در تصور يك راه حل سحر آمیز magico، يك رهبری غیر قابل تردید، که رهبری ائتلاف و حکومت را بدست می گیرد. از نظر اینجانب، تشکیل حزب دموکرات، شرایط را ساده نکرده، بلکه آنرا بغرنجتر میکند، حتی اگر تنها سطح تزهای سیاسی مطرح شده، و روشهای عملی ای آغازین حرکت آن را، در نظر گیریم.

جهانی شدن (globalizzazione) در ربع قرن اخیر، دارای تاثیرات قابل اندازه گیری است. پیشرفت ها قابل اندازه گیری اند، و تضادها و نابرابری ها، قابل اندازه گیری اند " وعده های شکسته شده" ای که در باره ی صلح نیز داده شد، با در نظر گیری موج های تازه خشونت و جنگ، که بگونه ای دراماتیک انسانیت را، در آستانه ی هزاره ی جدید زیر ضربه گرفته اند، نیز قابل اندازه گیری اند.

نسخه ها ی پراگماتیک نسخه هائی بیهوده اند.

باید سعی تازه ای کرد و به عمق مسائل مراجعه کرد.

مسئله ی مهم اینست که کار (il lavoro) در سطح بین المللی ارزش خود را از دست داده است. هیچگاه مانند لحظه ی کنونی نمایندگی کردن کار، چه از نظر سندیکائی، و چه از نظر سیاسی، در تمامی شکلهای آن و در تمامی قاره ها، دارای این اهمیت استراتژیک نبوده است.

جامعه ی بشری بایستی با عواقب پتانسیل تخریبی فعالیتها ی اقتصادی خود مقابله میکرد. جمعیت و مصرف رو به گسترش است، و سیکل زباله ها، و بویژه گاز های گلخانه ای، بسته نمیشود. چهارمین گزارش در باره ی تغییرات آب و هوا، بما وضعیت خطر ناکی را نشان میدهد. زمان تغییرات ریشه ای اقتصادی اجتماعی و تکنولوژیک، مطلقا کوتاه میگردد. در غیر این صورت این خطر وجود دارد که شاهد اضمحلال غیر بازگشت محیط زیست باشیم. و، با ارتش آخرین جنگ برای نفت، در اولین جنگ برای آب شرکت کنیم.

"... مسئله تصمیم گیریهای جمعی و آگاهانه، بر روی موضوعات، به يك ضرورت اجتناب ناپذیر بدل شده است. موضوعاتی چون، دولت و سیاست، موضوع سوسیالیسمی نوین".

پیش بینی "پایان سوسیالیسم" که خود را همانند آخرین فریاد معرفی میکند، تنها یک ایدئولوژی پوچ و بی محتواست..

من فکر میکنم که تصمیمات، گرفته شده از طرف اکثریت وسیع، اشتباهی است با برد وسیع.

فکر میکنم که راه انتخاب شده، راهی است که چپ را بسوی نو کردن نمیرد، چیزی که ضرورت جدی دارد، بلکه راهی است که باعث می شود چپ خود را گم کند. چپ توشه ای نیست در دست رهبران بطوری که آنان هر جا که بخواهند آن را با خود بکشند. چپ عبارتست از ارزشها، برنامه و هویت است. گفته های تھی و بی مایه ای همانند، در وراء - در وراء احزاب، در وراء سنتها، در وراء سوسیالیسم - هیچ مفهومی ندارند، اگر روشن نباشد، که به کجا می خواهیم برویم.

می بینم که از ما، که دارای اقلیت هستیم، می پرسند، "کجا میروید؟"
من از شما می پرسم، رفقای اکثریت "شما، دقیقاً به کجا میروید؟"

پلاتفرم از یک مانیفست تشکیل شده است. تنها موضوع روشن آن عبارتست از اشاره به مسیحیت، که جزء اصلی فرهنگ جهانی است. در این تردیدی نیست. اما یک اصل مذهبی نمی تواند نه پایه ی قانون اساسی، و نه پایه ی یک دولت، و نه اتحاد دولتها مثل اروپا، و نه اصل یک حزب سیاسی مدرن قرار گیرد. از آنچه که اصل است ما بهیچوجه بدان نپرداخته ایم. تم های اصلی - کار، دانش، محیط زیست، مسئله اخلاق، و رفرفرم سیاست- با سبکی خاصی در بحث سیاسی حزب دموکرات معلق اند. در مورد سندیکا کلمه ای گفته نمی شود، و یا اگر گفته شود، کلماتی اشتباه بیان میشود. بحث های دیگر در یک اختلاط وسیع گم شده اند. مثلاً مسئله ی لائیک گرائی (laicità).

فضای لائیک، یک فضای آزادی همگانی است. ما لائیک "سالم" ویا "ناسالم"، آنچه که پاپ راتزینگر (Ratzinger) میگوید، نداریم. فضای لائیک آنست که یک دولت برای همه ی شهروندان تضمین میکند، زیرا قابل قبول نیست، نظریاتی که از طرف یک اتوریته ی مذهبی مسلط بیان شود، و برای همه اجباری باشد.

نقش فرد در تعیین سرنوشت خویش، درست، در همین جاست. حرکت آزاد فرم های زندگی، آزادی فرهنگ، علم) ما باید بر گردیم و از علم دفاع کنیم، اگر حقیقت است که هنوز محاکمه ی گالیله بسته نشده که مسئله ی داروین بمیان می آید). همین آزادی مذهبی، که یکی از ستونهای آزادی است، از طرف یک سیستم لائیک کاملاً تضمین میشود. سیستم لائیک تنها آنتی تز بربریت در گیری تمدنها و جنگ های مذهبی است. بدین خاطر، لائیک بودن دولت، اصلی است که قابل معامله نیست، که پایه ی سیاست مدرن است. راه حل های میانی و نیمه کاره راه حل های هستند عمیقاً اشتباه آمیز.

باید یاد آوری کنم که، نقطه ی مرکزی، در اندیشه ی دموکراتیک و سوسیالیستی ایتالیا، عبارتست از مسئله ی نو کردن "گروه های رهبری" (le classi dirigenti)، که یک صفت جمعی است. اما برعکس، غالباً در این سالها شنیدیم که به صورت صفت فردی بیان میشود: "گروه رهبری" (la classe dirigente). این در واقع تئوری دیگری است، که عبارتست از گردش "گروه الیت": این اندیشه ی پارتو (Pareto) است و نه گرامشی (Gramsci). که یک تئوری تازه ای نیست و تطبیق کامل دارد با سیاست اخیر گرایش به پرسونالیزه کردن، در حد نهایی، از خود، از سیاست، از قدرت، پول و تلویزیون.

در هر صورت، واقعیت اینست که نمی توانم بپذیرم، که سرنوشت چپ ایتالیا، بتواند بدین سطح پائین تقلیل یابد."

تاریخ چپ ایتالیا، و تاریخ قرن بیستم، تاریخی است پر شگوه و دراماتیک. بسیاری از دستاورد های اجتماعی و مدنی در واقع حاصل کار اوست. و حال دو جنبش متضاد بحرکت افتاده اند: از یک طرف، از اولین سالهای جمهوری، برای اولین بار، تمام چپ متحداً در قدرت است، از طرفی دیگر، حزب دموکرات، متولد می شود که باعث گسترش هر چه بیشتر جدائی های مصنوعی بین "رفرمیست ها" و "رادیکالها" می گردد.

در اینجا تأیید میکنم - البته نه با شادی- که اقلیت، حاضر به شرکت در مرحله پایه ریزی و تشکیل حزب دموکرات نیست. این درست است که در دموکراتهای چپ (DS) نیز جریانهای مختلف وجود داشت: و در

این کنگره سه جریان و سه مصوبه پیشنهاد شد. اما این گروهها در حزب دموکرات (PD) آینده به سی و سه جریان خواهند رسید: مطمئناً در آنجا کمبود ما حس نخواهد شد.

فابیو موسسی (Fabio Mussi) در بخش پایانی سخن خود چنین گفت:

ما در همین جا می ایستیم!

اندیشه ها، مطمئناً، بر اساس آمار گیری شکل نمی گیرند. در مجموع، من تصور میکنم که حزب دموکرات قادر به جذب همه، یا تقریباً همه نیروهای میانه چپ خواهد بود. بخش بزرگی از جامعه ی ایتالیا، که نگاهش بسوی چپ است، حزب دموکرات را معرف و نماینده ی خود نمی داند، بخش مهمی که امروز و فردا برای تشکیل دولت و اکثریت همانند یک نیروی اساسی است. خیلی از نیروها بحرکت افتاده اند. قصد ما اینست که جنبشی سیاسی و مستقل را سازمان دهیم. جنبشی که هدفش پیشنهاد آغاز یک پروسه نوین سیاسی در سمت چپ حزب دموکرات، می باشد. نه یک حزب کوچک دیگر، بلکه پروژه ای به هدف اتحاد نیروها. تا اینکه بتواند دورنمای یک نیروی چپ با آمال سوسیالیستی را نگاهبان باشد. یک نیروی لائیک که در دولتمداری توانمند است، جنبشی از کار، حقوق، آزادی زنان، محیط زیست، آماده ی پذیرش فرهنگهای تازه و مبارزات این قرن، و متحد حزب دموکراتیک.

میدانم که کار مشکلی است. اما کار شما نیز آسان نخواهد بود. من و رفقا قطعنامه ی " بطرف چپ برای سوسیالیسم اروپائی" را آماده کردیم، با اعتقاد عمیق، ما وظیفه ی خود میدانیم این کار را انجام دهیم. در واقع دنوانوع سازماندهی با هم آغاز میشوند. موفقیت احتمالی دوگانه زیبا خواهد بود.

بامید موفقیت شما، رفقا.

فلورانس، ۲۰ آوریل ۲۰۰۷
پایان